مبنای آزادسازی قیمت‌ها برای تحقق سلامت اقتصادی اشتباه بود:

به بهانه حذف رانت، زندگی مردم را گران نکنید



وزیر شهرسازی دولت شهید رئیسی گفت: تا زمانی که نظام معیوب و ربوی بانکی اصلاح نشود، تورم بالا و رکود بر اقتصاد کشور حاکم خواهد بود و نمی‌توان تمام مشکلات اقتصادی را به جنگ نسبت داد.

به گزارش سرویس اقتصادی زمان، مهرداد بذرپاش، وزیر راه و شهرسازی دولت شهید رئیسی در کارگروه تخصصی نشست مسئولان بسیج دانشجویی پیرامون مسائل اساسی کشور، با اشاره به افزایش بی‌سابقه نقدینگی در کشور، از رشد ۵۱ تا ۵۲ درصدی نقدینگی به‌عنوان بالاترین میزان رشد در سه دهه اخیر یاد کرد و گفت: در حال حاضر با رشد ۵۱ تا ۵۲ درصدی نقدینگی در کشور مواجه هستیم که بالاترین میزان رشد نقدینگی در سه دهه اخیر می‌شود. هنگامی که چنین حجمی از نقدینگی ایجاد می‌شود، منابع حاصل باید به سمت تولید و توسعه اقتصادی هدایت شوند. وی با اشاره به هم‌زمانی رشد ۵۲ درصدی نقدینگی با رشد منفی ۱۲ درصدی تولید ناخالص داخلی کشور و رشد منفی ۴۸ درصدی بخش مسکن و ساختمان، افزود: در شرایطی که نقدینگی ۵۲ درصد رشد کرده، تولید ناخالص داخلی کشور با رشد منفی ۱۲ درصدی و بخش مسکن و ساختمان با رشد منفی ۴۸ درصدی مواجه شده است. این منابع مالی به کجا رفته‌اند؟ وقتی نقدینگی افزایش پیدا می‌کند، باید مشخص شود این منابع در کدام بخش اقتصادی مصرف شده‌اند و چرا به افزایش تولید منجر نشده‌اند. بذرپاش ادامه داد: در شرایطی که رشد نقدینگی به ۵۲ درصد رسیده و رشد اقتصادی کشور منفی ۱۲ درصد است، به بانک‌ها اجازه خلق پول داده‌ایم و بالاترین میزان خلق پول در تاریخ کشور در حال اتفاق افتادن است. با وجود این شرایط، همچنان همه مشکلات را به آمریکا نسبت می‌دهیم، در حالی که نظام بانکی کشور و سیاست‌های نادرست اقتصادی که تورم را به کشور تحمیل می‌کنند، بیش از آمریکا در شکل‌گیری این وضعیت نقش دارند. وزیر سابق راه و شهرسازی با طرح این پرسش که چه میزان از تورم فعلی ناشی از جنگ است، گفت: اکنون چه میزان از تورم کشور به جنگ مربوط می‌شود؟ باید فردی بیاید و عدد دقیقی در این زمینه اعلام کند تا مردم بدانند چه سهمی از تورم ناشی از جنگ است. نمی‌توانیم همواره پشت موضوع جنگ پنهان شویم و تمام مشکلات اقتصادی را به آن نسبت دهیم. وی تصریح کرد: تا زمانی که با این نظام معیوب و ربوی بانکی به مسیر خود ادامه دهیم، در شرایط تورمی بالا به سر خواهیم برد و در برخی مواقع نیز شرایط رکودی به کشور تحمیل خواهد شد. به عبارت دیگر، اکنون با بالاترین میزان رکود تورمی که در تاریخ کشور تصور شده است، مواجه هستیم. وی در ادامه با اشاره به موضوع واگذاری زمین به مردم، اظهار کرد: همان‌طور که زمین متعلق به عموم مردم و از انفال است و نباید در اختیار گروه خاصی قرار بگیرد، طبق قانون اساسی همه مردم باید از زمین برخوردار باشند. سیاست واگذاری زمین نیز با همین رویکرد مطرح شده است. وی با اشاره به روش‌های مدیریت اقتصادی کشور و عوامل مؤثر بر تورم گفت: دربازه تورم در کشور معمولاً دو عامل اصلی مطرح می‌شود؛ نخست نقدینگی که نظام بانکی در ایجاد آن نقش دارد و دوم نرخ ارز. نرخ ارز در کشور ما تأثیر بسیار زیادی بر تورم دارد؛ زیرا حدود ۵۰ درصد کالاهای مصرفی و مورد نیاز کشور وارداتی هستند. وزیر سابق راه و شهرسازی افزود: آمارهای دو دهه گذشته نشان می‌دهد که به‌طور متوسط حدود ۵۰ درصد کالاهای کشور وارداتی هستند؛ البته این میزان در برخی سال‌ها کمتر و در برخی سال‌ها بیشتر بوده است. وارداتی بودن کالاها به این معناست که برای تأمین آنها به ارز نیاز داریم و در نتیجه، قیمت ارز مستقیماً بر قیمت این کالاها تأثیر می‌گذارد. وی ادامه داد: به این وضعیت، تورم روانی یا تورم انتظاری در بازار گفته می‌شود. از یک طرف نرخ ارز و از طرف دیگر پایه پولی و نقدینگی بر تورم اثر می‌گذارند. در کنار این عوامل، سیاست‌های آزادسازی بی‌محابا نیز مطرح هستند که با وجود گذشت ۴۷ سال از انقلاب اسلامی، همچنان تجویز می‌شوند. بذرپاش افزود: همچنان گفته می‌شود باید آزادسازی انجام دهیم تا رشد اقتصادی محقق شود یا ارز ترجیحی را حذف کنیم تا رشد اقتصادی افزایش پیدا کند و فساد کاهش یابد، در حالی که اکنون تقریباً همه‌چیز آزاد شده و این روند همچنان ادامه دارد؛ اما آیا رشد اقتصادی مورد انتظار محقق شده است؟ وی با اشاره به نتایج حذف ارز ترجیحی و وضعیت شاخص‌های اقتصادی کشور گفت: ارز ترجیحی را حذف کردیم، اما آیا تولید کالا افزایش پیدا کرد؟ وقتی ارز ترجیحی را حذف کردیم، چرا رشد اقتصادی کشور به منفی ۱۲ درصد رسید و رشد بخش مسکن و ساختمان به منفی ۴۸ درصد کاهش یافت؟ با وجود اجرای این سیاست‌ها، رشد اقتصادی مثبت نشد. وزیر سابق راه و شهرسازی با اشاره به موضوع بازگشت ارز حاصل از صادرات و اختلافات میان بانک مرکزی و تراستی‌ها اظهار کرد: یکی از مسائلی که اکنون دربازه آن بحث می‌شود، موضوع تراستی‌ها و بازگشت ارز حاصل از صادرات است. وقتی سیاست تثبیت نرخ ارز دنبال نشود و نرخ ارز به‌صورت شناور تعیین شود، طبیعی است که چنین اختلافاتی نیز شکل بگیرد. وی یادآور شد: دربازه چندین میلیارد دلار ارز حاصل از صادرات که به کشور بازگشته است، این پرسش مطرح می‌شود که چرا تراستی‌ها ارز خود را بازنمی‌گردانند؟ به نظر من، یکی از دلایل این موضوع می‌تواند سودی باشد که از تأخیر در بازگشت ارز نصیب صادرکننده می‌شود. کافی است ۴ تا ۶ ماه در بازگرداندن ارز تأخیر کند تا سود قابل توجهی از این فاصله زمانی به دست آورد. بذرپاش تصریح کرد: یکی از اختلافات بانک مرکزی و دستگاه‌های نظارتی با صادرکنندگان، موضوع رفع تعهد ارزی است. به این معنا که برای مثال، صادرکننده‌ای یک میلیون دلار کالا صادر کرده، اما ارز حاصل از صادرات خود را به کشور بازنگردانده است. بذرپاش با انتقاد از سیاست آزادسازی بی‌محابای قیمت‌ها اظهار کرد: افزایش نرخ ارز و حرکت مستمر آن به سمت بالا، زمینه‌ساز فساد است و آزادسازی قیمت‌ها نه‌تنها به رشد اقتصادی منجر نشد، بلکه حتی نتوانست سلامت اقتصادی مورد انتظار را نیز محقق کند. وی افزود: پیش از این، زمانی که درباره پیامدهای این سیاست‌ها صحبت می‌کردیم، برخی معتقد بودند تحلیل درستی از مسائل نداریم، اما اکنون آمارهای رسمی نتایج این سیاست‌ها را نشان می‌دهد. مشخص شد مبنا و فرض اولیه‌ای که بر اساس آن تصور می‌شد آزادسازی قیمت‌ها به سلامت اقتصادی منجر می‌شود، از اساس اشتباه بوده است. بذرپاش با تأکید بر اینکه حذف رانت نباید از طریق افزایش هزینه‌های زندگی مردم دنبال شود، تصریح کرد: ما حق نداریم به بهانه حذف رانت، زندگی مردم را گران کنیم؛ بلکه باید مسیرهای ایجاد رانت را اصلاح کنیم. وی با اشاره به پرداخت یک میلیون تومان به مردم گفت: برای پرداخت این مبلغ زحمت کشیدیم و با دشواری‌هایی مواجه شدیم، اما یک میلیون تومان حتی هزینه خرید یک روتختی هم نمی‌شود. امروز مردم با مشکلات جدی مسیشتی مواجه‌اند و قدرت خرید ندارند؛ امکان تفریح و سفر برای بسیاری از خانوارها محدود شده و خانواده‌ها در تأمین نیازهای اولیه، از جمله پوشاک، هزینه‌های نگهداری فرزند، پوشک و شیرخشک نیز با مشکل روبه‌رو هستند. عضو کابینه دولت سیزدهم با انتقاد از افزایش هزینه‌های زندگی مردم ادامه داد: باید دید چه اتفاقی افتاده که هزینه زندگی تا این اندازه افزایش یافته است. اینکه تصور کنیم با گران کردن ارز، جنگ حل می‌شود یا محاصره برداشته خواهد شد، مبنای درستی نیست. با افزایش نرخ ارز، در واقع زندگی مردم و توان اقتصادی آنها را تحت فشار قرار می‌دهیم‌وی با اشاره به نقش مردم در عبور کشور از شرایط دشوار گفت: در چنین شرایطی، اصل و هسته تاب‌آوری کشور و مردمی که جنگ را به پیروزی رسانده‌اند، تحت فشار قرار می‌گیرند. این مردم همان کسانی هستند که تا امروز در میدان مانده و کشور را همراهی کرده‌اند. بذرپاش با تأکید بر ضرورت اصلاح ساختارهای حکمرانی بیان کرد: ساختارها اصالت ندارند و هر جا به این نتیجه رسیدیم که یک ساختار یا روش اشتباه است، باید آن را اصلاح کنیم. این موضوع در زندگی شخصی نیز صدق می‌کند؛ اگر سبک زندگی نادرستی داشته باشیم و نتیجه آن بیماری باشد، باید مسیر خود را تغییر دهیم، نه اینکه با وجود آگاهی از اشتباه، بر ادامه آن اصرار کنیم. وی افزود: همان‌طور که در زندگی شخصی باید اشتباهات خود را اصلاح کنیم، در حکومت‌داری، حکمرانی و دولت‌داری نیز باید چنین رویکردی داشته باشیم و نباید بر روش‌های ناکارآمد پافشاری کنیم.

تولید کننده نباید هر روز با غافلگیری جدید مواجه شود

دبیرکل خانه صنعت، معدن و تجارت ایران با تأکید بر ضرورت صیانت از برندهای ملی گفت: برند، حاصل سال‌ها تلاش، کیفیت، خوش‌نامی و اعتمادسازی است و تصمیمات ناگهانی در حوزه صادرات، قیمت‌گذاری و مقررات اقتصادی می‌تواند اعتبار چندین‌ساله بنگاه‌ها را در بازارهای داخلی و بین‌المللی از بین ببرد.

به گزارش زمان به نقل ازایسنا، آرمان خالقی در دومین همایش ملی برند و دومین جایزه ملی ویژه ایران با اشاره به اهمیت برند در اقتصاد کشور اظهار کرد: برند صرفاً ثبت یک علامت تجاری نیست و با پول به دست نمی‌آید، بلکه حاصل سال‌ها تلاش، سخت‌کوشی، اعتبارسازی و اعتمادسازی است و هیچ برندی یک‌شبه به جایگاه شهرت و خوش‌نامی نمی‌رسد‌وی با اشاره به هم‌افزایی برندهای شخصی و سازمانی افزود: این دو می‌توانند به یکدیگر اعتبار ببخشند، رفتار بنگاه‌ها در جامعه و نحوه ایفای مسئولیت اجتماعی نیز در شکل‌گیری این اعتبار مؤثر است؛ چراکه یک مجموعه اقتصادی باید علاوه بر دغدغه‌های تجاری، نسبت به مسائل و دغدغه‌های مردم نیز احساس مسئولیت کند. خالقی با تأکید بر اهمیت برند ملی گفت: عبارت «ساخت ایران» باید نشان‌دهنده کیفیت و اعتبار کالاهایی باشد که از کشور صادر می‌شوند و به‌عنوان پرچم‌دار و سفیر محصولات ایرانی در بازارهای جهانی شناخته شوند. بنابراین، باید از عرضه محصولات و خدمات بی‌کیفیت در بازارهای خارجی و خدشه‌دار شدن نام ایران جلوگیری کرد. وی با اشاره به شهرت جهانی محصولاتی مانند زعفران و فرش ایرانی افزود: این اعتبار در طول زمان شکل گرفته، اما باید پرسید در کنار شهرت این محصولات، کدام برندهای مشخص ایرانی توانسته‌اند جایگاه خود را تثبیت کنند؟ هر زعفران یا فرش ایرانی الزاماً یک برند معتبر نیست و برندهای ملی باید هویت پررنگ‌تری پیدا کنند. دبیرکل خانه صنعت، معدن و تجارت ایران ادامه داد: نباید محصولات ایرانی بدون هویت مشخص و به‌صورت فله‌ای صادر شوند تا صاحبان برندهای خارجی از ظرفیت تولید کشور استفاده کنند و ارزش افزوده آن را به دست آورند. در حوزه منابع و مواد اولیه نیز اگر استحصال، فرآوری و ایجاد ارزش افزوده در داخل انجام نشود، منافع اقتصادی نصیب دیگران خواهد شد. خالقی با اشاره به دشواری حفظ و توسعه برندهای ایرانی در شرایط فعلی اظهار کرد: صاحبان برند برای ورود به بازارهای بین‌المللی و تثبیت جایگاه خود سال‌ها تلاش می‌کنند، اما گاهی یک مقرره ناگهانی می‌تواند تمام این زحمات را از بین ببرد. وی افزود: ممکن است تولیدکننده‌ای سال‌ها برای بازاریابی و ایجاد اعتبار در یک کشور تلاش کرده باشد، اما در شرایطی که محموله صادراتی او به مرز رسیده، صادرات آن کالا متوقف شود. در این صورت، بنگاه نمی‌تواند به تعهدات خود در برابر مشتریان خارجی عمل کند و اعتبار ۱۰- ۲۰ یا حتی ۴۰ ساله خود را از دست می‌دهد؛ اتفاقی که خسارت سنگینی به بنگاه و اعتبار تجاری ایران وارد می‌کند. وی با تأکید کرد: مسائل محیط کسب‌وکار مستقیماً بر تصمیمات صاحبان برند تأثیر می‌گذارد و توسعه بلندمدت برندها به ثبات و پیش‌بینی‌پذیری سیاست‌ها نیاز دارد. دبیرکل خانه صنعت، معدن و تجارت ایران با انتقاد از مداخلات اقتصادی و قیمت‌گذاری دستوری گفت: وقتی به بنگاه‌ها اعلام می‌شود محصولات خود را با قیمت مشخصی عرضه کنند، تفاوت میان تولیدکننده باکیفیت و تولیدکننده‌ای که کیفیت پایین‌تری دارد، نادیده گرفته می‌شود؛ در چنین شرایطی کیفیت و رضایت مشتری چه جایگاهی خواهد داشت؟ خالقی با اشاره به محدود شدن رقابت در بازارهای انحصاری افزود: در برخی بازارها مصرف‌کننده ناچار است هر کالایی را که عرضه می‌شود بخرد و حتی برای دریافت آن در صف بماند یا پیش‌خرید کند. در چنین فضایی، تولیدکننده تصور می‌کند هر کالایی عرضه کند، برنده است؛ درحالی‌که کیفیت، اعتماد مشتری، اعتبار و مزیت‌های رقابتی به‌تدریج معنای خود را از دست می‌دهند. خالقی با اشاره به تجربه ۳۲ سال فعالیت کاری و ۳۰ سال حضور در فعالیت‌های تشکلی خود گفت: برند به‌تدریج و گام‌به‌گام ساخته می‌شود. ممکن است تولیدکننده‌ای از بازار داخلی به صادرات برسد و در کشورهای دیگر مشتری پیدا کند، اما اگر از ابتدا برای ثبت نام تجاری و حفاظت از آن برنامه‌ریزی نکرده باشد، فرد دیگری می‌تواند همان نام را در بازار هدف به ثبت برساند. وی افزود: در چنین شرایطی، فرد دیگری از اعتبار و کیفیتی که تولیدکننده اصلی طی سال‌ها ایجاد کرده استفاده می‌کند و تولیدکننده ایرانی برای ادامه صادرات با مشکل مواجه می‌شود. گاهی محصولات مشابه ایرانی با نام و نشان دیگری در بازارهایی مانند پاکستان، افغانستان یا حتی عرضه می‌شوند و تولیدکننده اصلی امکان استفاده از نام تجاری خود را از دست می‌دهد‌وی خاطرنشان کرد: ثبت برند در بازارهای هدف و حفاظت از مالکیت معنوی باید از ابتدای مسیر صادرات مورد توجه قرار گیرد؛ چراکه سرمایه برند کمتر از سرمایه فیزیکی شرکت نیست و بنگاه‌ها باید از دارایی‌های معنوی خود به‌درستی حفاظت کنند. خالقی با اشاره به مشکلات فعالان اقتصادی در حوزه تولید اظهار کرد: محدودیت‌های برق و گاز، تخلفات، تصمیمات ناگهانی، قیمت‌گذاری دستوری، مداخلات اقتصادی، محدودیت‌های تأمین مالی و مسائل تأمین اجتماعی، فعالیت مستمر تولیدکنندگان را دشوار کرده‌اند. وی افزود: تولیدکننده باید بتواند بر کیفیت محصول، برندسازی و توسعه بازار تمرکز کند، اما فعال اقتصادی هر روز با تغافلگیری و اتفاق جدیدی مواجه می‌شود و به‌جای برنامه‌ریزی و پیش‌بینی، ناچار است واکنشی عمل کند.دبیرکل خانه صنعت، معدن و تجارت ایران تأکید کرد: برندسازی فرآیندی بلندمدت است و نمی‌توان با تصمیمات کوتاه‌مدت و متغیر، برندها را توسعه داد. در چنین شرایطی، بنگاه‌ها به‌جای حرکت رو به جلو، صرفاً برای حفظ وضعیت موجود تلاش می‌کنند.

نگاه روز

بازار گمانه‌زنی‌ها درباره کلیددار وزارت نفت داغ شد

شمارش معکوس برای تعیین تکلیف سکاندار یکی از مهم‌ترین و درآمدزاترین وزارتخانه‌های دولت آغاز شده است. اکنون نگاه‌ها به پاستور دوخته شده تا مشخص شود مسعود پزشکیان چه کسی را به‌عنوان وزیر پیشنهادی نفت به مجلس معرفی می‌کند و کلید این وزارتخانه را به دست چه کسی می‌سپارد.

وزارت نفت در ایران همواره جایگاهی فراتر از یک وزارتخانه معمولی داشته است. بخش مهمی از درآمدهای ارزی کشور، تأمین منابع بودجه، صادرات، امنیت انرژی و حتی بخشی از مناسبات اقتصادی و سیاسی ایران به عملکرد این وزارتخانه وابسته است. به همین دلیل، تغییر وزیر نفت معمولاً فقط یک جابه‌جایی در کابینه نیست؛ بلکه می‌تواند نشانه‌ای از تغییر رویکرد دولت در مدیریت منابع انرژی و مواجهه با چالش‌های اقتصادی کشور باشد. وزارت نفت در هشتم مهرماه ۱۳۵۸ با مصوبه شورای انقلاب شکل گرفت. از آن زمان تاکنون، ۱۱ نفر در جایگاه وزیر رسمی این وزارتخانه قرار گرفته‌اند. البته در این مسیر، چند سرپرست نیز برای دوره‌هایی مسئولیت اداره وزارتخانه را بر عهده داشته‌اند؛ افرادی که نیاید با وزیران دارای رأی اعتماد مجلس در یک فهرست قرار بگیرند. مرور تاریخ این وزارتخانه نشان می‌دهد برخی وزیران تا پایان دولت جای خود را به نفر بعدی داده‌اند، برخی برکنار شده‌اند و برخی نیز با استعفا از ساختمان وزارت نفت خارج شده‌اند. در این میان، تفاوت چشمگیری میان مدت مسئولیت وزیران وجود دارد؛ از دوره کوتاه محمدجواد تندگویان تا ۱۶ سال حضور بیژن زنگنه در کنار مدت مسئولیت، تحولات اقتصادی هر دوره نیز تصویر متفاوتی از مدیریت مهم‌ترین منبع درآمدی کشور به دست می‌دهد. پس از پایان دولت دوازدهم، جواد اوجی در شهریور ۱۴۰۰ وزیر نفت دولت سیزدهم شد. اوجی حدود سه سال، معادل ۳۶ ماه، مسئولیت این وزارتخانه را بر عهده داشت. پایان فعالیت او با پایان دولت ابراهیم رئیسی و تشکیل دولت مسعود پزشکیان همراه شد. دوره وزارت اوجی با موضوعاتی همچون تأمین گاز در فصل سرد، افزایش ظرفیت تولید نفت، توسعه میدان‌های مشترک و تلاش برای افزایش صادرات همراه بود. در این دوره، اظهارات او درباره امکان نقش‌آفرینی ایران در تأمین بخشی از نیاز انرژی اروپا در زمستان ۱۴۰۱ نیز بازتاب رسانه‌ای گسترده‌ای پیدا کرد. و در نهایت محسن پاکنژاد در ۳۱ مرداد ۱۴۰۳ با رأی اعتماد مجلس وزیر نفت دولت چهاردهم شد. او تا ۱۲ مهرماه ۱۴۰۵، حدود دو سال و یک ماه و نیم، در این جایگاه فعالیت کرد. در این تاریخ، استعفای او از سوی مسعود پزشکیان پذیرفته شد و حمید بیورد با حکم رئیس‌جمهور به‌عنوان سرپرست وزارت نفت منصوب شد. درباره علت کناره‌گیری پاکنژاد، دفتر ریاست‌جمهوری از درخواست قبلی او برای استعفا و مسائل شخصی سخن گفت. با این حال، استعفای او در شرایطی اتفاق افتاد که وزارت نفت با چالش‌هایی در حوزه صادرات، بازگشت درآمدهای ارزی، ناترازی انرژی و مسائل مدیریتی روبه‌رو بود. خبرآنلاین در گزارشی با عنوان «وزارت نفت؛ قربانی جنگ قدرت و بلاتکلیفی مدیریتی» به منازعات سازمانی و مشکلات تصمیم‌گیری در این وزارتخانه پرداخته است. البته این مسائل را نباید بدون مستندات، علت قطعی استعفای پاکنژاد دانست. پس از پذیرش استعفای پاکنژاد، حمید بیورد سرپرستی وزارت نفت را بر عهده گرفت. بیورد پیش از این مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران بود و سابقه مدیریت در شرکت نفت فلات قاره، شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب و شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مارون را در کارنامه دارد. همین سابقه اجرایی باعث شده است نام او در فهرست گزینه‌های احتمالی وزارت نفت باقی بماند. در نازه‌ترین گمانه‌زنی‌های منتشرشده در ۲۵ آبان ۱۴۰۵، نام چهار چهره شامل محمدصادق عظیمی‌فر ، مدیرعامل کنونی شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ، محمد مخبر، حمید بیورد و سیدعماد حسینی برای تصدی وزارت نفت مطرح شده است. محمد صادق عظیمی‌فر مدیر جوانی است که عملکرد مطلوب وی در ماه‌های اخیر و در سخت‌ترین شرایط دوره جنگ و پس از آن در محافل خبری مورد توجه قرار گرفته است. او پیش از این مدیرعامل و عضو هیئت‌مدیره هلدینگ انرژی سینا، رئیس هیئت‌مدیره گروه پتروپارس و مدیر برنامه‌ریزی و عضو هیئت‌مدیره شرکت نفت مناطق مرکزی ایران بوده است. عظیمی‌فر در رشته مهندسی نفت تحصیل کرده است. محمد مخبر، معاون اول دولت سیزدهم، از چهره‌های سیاسی و اجرایی مطرح در این فهرست است. او پیش از معاونت اولی ریاست‌جمهوری، ریاست ستاد اجرایی فرمان امام را بر عهده داشت و دارای دکترای مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی است. با این حال، سابقه اجرایی او بیشتر در حوزه مدیریت کلان و اقتصادی بوده و سابقه مستقیم اداره صنعت نفت در کارنامه‌اش دیده نمی‌شود. حمید بیورد در مقابل، سابقه فعالیت مستقیم در ساختار اجرایی صنعت نفت را دارد. او در سال‌های گذشته در بخش‌های مختلف شرکت ملی نفت ایران مسئولیت داشته و اکنون نیز اداره وزارتخانه را به‌عنوان سرپرست بر عهده گرفته است. از این منظر، مطرح‌شدن نام او به معنای احتمال ادامه مدیریت از درون ساختار وزارت نفت است. سیدعماد حسینی نیز از دیگر نام‌های مطرح‌شده است. او سابقه نمایندگی مردم قروه و دهگلان در مجلس هفتم و هشتم و عضویت در کمیسیون انرژی مجلس را دارد. حسینی همچنین در دولت یازدهم با حکم بیژن زنگنه به معاونت امور مهندسی وزارت نفت رسید؛ بنابراین در میان گزینه‌های مطرح‌شده از سابقه بالاملی و اجرایی در حوزه نفت برخوردار است. در کنار این سه نام، روز ۲۴ آبان نام حسین افشین، مسلون علمی رئیس‌جمهور، نیز در گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای مطرح شد. افشین دارای دکترای مهندسی مکانیک در گرایش تبدیل انرژی و استاد تمام دانشگاه صنعتی شریف است و سابقه فعالیت در حوزه پژوهش‌های انرژی و مدیریت علمی را دارد. با این حال، مطرح‌شدن نام او نیز هنوز به معنای انتخاب رسمی یا صرفی به مجلس نیست. بر اساس اصل ۱۳۵ قانون اساسی، هر وزارتخانه پس از استعفا یا عزل وزیر می‌تواند حداکثر سه ماه با سرپرست اداره شود. بنابراین دولت پس از پذیرش استعفای پاکنژاد در ۱۲ مهرماه تا ۱۲ دی‌ماه ۱۴۰۵ فرصت دارد وزیر پیشنهادی خود را برای دریافت رأی اعتماد به مجلس معرفی کند.انتخاب وزیر آینده در شرایطی انجام می‌شود که وزارت نفت با مجموعه‌ای از مسائل مهم روبه‌روست؛ از حفظ سطح تولید و صادرات نفت و بازگشت درآمدهای حاصل از فروش گرفته تا توسعه میدان‌های مشترک، جذب سرمایه، تأمین گاز در فصل سرد و مدیریت ناترازی انرژی. وزیر جدید باید علاوه بر شناخت ساختار پیچیده این وزارتخانه، توان هماهنگی میان شرکت‌های اصلی نفتی و دستگاه‌های اقتصادی و سیاسی را نیز داشته باشد.مرور تاریخ وزارت نفت نشان می‌دهد ماندگاری در این جایگاه لزوماً به معنای موفقیت بیشتر نیست. زنگنه با ۱۶ سال وزارت در دو دوره رکوردار مجموع حضور است و آقازاده با نزدیک به ۱۲ سال، طولانی‌ترین دوره پیوسته را داشته است. در سوی دیگر، تندگویان تنها حدود ۲۷ روز فرصت حضور عملی در وزارتخانه پیدا کرد و پاکنژاد نیز بیش از حدود ۲۵ ماه با استعفا از این مسئولیت خارج شد. اکنون پرسش اصلی این است که پزشکیان برای عبور از شرایط دشوار صنعت نفت به سراغ یک مدیر بالسابقه در ساختار نفتی می‌رود یا چهره‌ای با تجربه سیاسی و اجرایی گسترده‌تر را انتخاب می‌کند. بااسخ این پرسش فقط نام وزیر بعدی را مشخص نمی‌کند بلکه می‌تواند تصویری از اولویت‌های دولت در مدیریت یکی از مهم‌ترین منابع اقتصادی کشور به دست دهد.منبع: خبرآنلاین

zamanagahi@chmail.ir